

# بیانیه افتخار آمیز

و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته بیاورند و تاریخ آن بعد از این قرارداد باشد، امضاء نمی‌نماییم. حرام نیست کاغذ غیر ایرانی و کسی را مانع نمی‌شویم، ماها با این روش متعهدیم. ثانیاً: کفن اموات، اگر غیر از کرباس و پارچه اردستانی یا پارچه دیگر ایرانی باشد، متعهد شده‌ایم، بر آن میت ماها نماز نخوانیم. دیگری را برای اقامه صلوٰه بر آن میت بخواهند، ماها را معاف دارند.

ثالثاً: ملبوس مردانه جدید که از این تاریخ به بعد دوخته و پوشیده می‌شود، قرار دادیم مهمما امکن هر چه بدلی آن در ایران یافت نمی‌کنیم و حرام نمی‌دانیم لباس‌های غیر ایرانی را، اما ماها ملتزم شده‌ایم، حتی‌المقدور بعد از این تاریخ ملبوس خود را از نسج ایرانی بنماییم، تا بعین ماها نیز کذک. و متخلف توقع احترام از ماها نداشته باشد، آنچه از سابق پوشیده داریم و دوخته، ممنوع نیست استعمال آن.

رابعاً: میهمانی‌ها بعد ذلک، ولو اعیانی باشند، چه عامه چه خاصه، باید مختصر باشند؛ یک پلو و یک چلو و یک خورش و یک افشیره، اگر زائد بر این کسی تکلف دهد، ما را به محضر خود وعده نگیرد، خودمان نیز به همین روش میهمانی می‌نمائیم، هر چه کمتر و مختصرتر از این تکلف کردند، موجب مزید امتنان ماها خواهد بود.

خامساً: وافوری و اهل وافور را احترام نمی‌کنیم و به منزل او نمی‌رویم. زیرا که آیات باهره (ان المبدبین كانوا اخوان الشیاطین - و لاتسرفوا ان الله لایحب المسرفین - و لاتلقوا بایدیکم الی التهلکة) و حدیث: (لا ضرر و لا ضرار). ضرر مالی و جانی و عمری و نسلی و دینی و عرضی و شغلی آن محسوس و مسری است و خانواده‌ها و ممالک را به باد داده، بعد از این هر که را فهمیدیم وافوری است، به نظر توهین و خفت می‌نگریم.

## امضای آقایان کرام و علماء فخام کثر الله امثالهم:

- ۱- ثقیة الاسلام آقای حاج آقا نورالله، ۲- حسین بن جعفر الفشارکی، ۳- حجة الاسلام آقاجفی، ۴- شیخ مرتضی اژه، ۵- آقا میرزا محمد تقی مدرس، ۶- حاجی سید محمد باقر بروجردی، ۷- آقا میرزا علی محمد، ۸- حاجی میرزا محمد مهدی جویبار، ۹- سید ابوالقاسم دهکردی، ۱۰- حاجی سید ابوالقاسم زنجانی، ۱۱- آقا محمد جواد قزوینی، ۱۲- سید محمد رضا شهیر به آقا میرزای مسجدشاهی، ۱۳- حاجی آقا حسین بیدآبادی

تذکر: این قرارداد در تاریخ ۱۲ جمادی الاول ۱۳۲۴ هجری قمری به امضا رسید.

در سال‌هایی ورود که کالاهای بیگانه و مواد افیونی به کشور آغاز شده بود علمای فهیم و زمان‌شناسی بودند که آثار زبان‌بار فقدان نظارت و کنترل بر ورودی‌های تجاری کشور و ارتباط اقتصادی یک طرفه را پیش‌بینی می‌کردند و در جهت حفظ اقتصاد ملی اقدام کرده‌اند. بیانیه جمعی از علمای اصفهان می‌تواند الگویی محسوب شود که با تأسی به آنان تلاش کنیم فرهنگ تکیه کردن بر خود و اقتصاد ملی را به فرزندانمان بیاموزیم.

به گزارش فارس، علیرضا معینی، دبیر علمی نخستین همایش اقتصاد مقاومتی سندی ارائه کرد که در آن آمده بود: ۱۲ نفر از علمای اصفهان در سال ۱۳۲۴ قمری (۱۰۹۹ سال پیش) بیانیه‌ای در رد مصرف کالای خارجی و تاکید بر مصرف کالای داخلی امضا کردند.

بیانیه جمعی از علمای اصفهان (در یک قرن پیش):  
بر کسی که کفنش از پارچه ایرانی نباشد، نماز نمی‌خوانیم

بعد از تسبیح و تحمید؛ این خدام شریعت مطهره با همراهی جناب رکن الملک متعهد و ملتزم شرعی شده‌ایم که مهمما امکن (تا حد امکان) بعد ذلک تخلف ننمائیم، فعلاً پنج فقره است:

اولاً: قبالات و احکام شرعی، از شنبه (۱۴ جمادی الاول) به بعد باید روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شود، اگر بر کاغذهای دیگر نویسند، مهر نموده و اعتراف نمی‌نویسیم، قباله

# حضور فعال

گفت‌وگو با عبدالله سالمی، دبیر با تجربه معارف اسلامی و عربی  
محمدصادق دهنادی

اشاره

عبدالله سالمی، متولد ۱۳۴۲ در مشهد مقدس، از سال ۱۳۵۹ به جرگه معلمان پیوسته و از ۱۳۶۴ رسماً به عنوان آموزگار به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمده است. وی که دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم تربیتی است، در شهرهای متعددی تجربه آموزگاری اندوخته و هم‌اکنون در اهواز سکونت دارد و کماکان به تدریس معارف اسلامی و عربی می‌پردازد و کمتر از دو سال آینده به افتخار بازنشستگی نائل می‌شود. گفت‌وگو با این معلم با سابقه، که دارای تجارب درخشانی در حوزه تدریس قرآن و معارف اسلامی است و آگاهی از این تجربیات، به ویژه برای معلمان جوان‌تر، مفید و سازنده خواهد بود.



همچنان

که ممکن است بیماری‌های مختلفی تظاهرات بالینی یکسانی داشته باشند اما منشأ آن‌ها مختلف باشد، در حوزه رفتار و محیط، همواره رفتارهای مشابه دارای سرچشمه‌های مشترک نیستند

■ شما به عنوان یکی از معلمان موفق درس معارف اسلامی شناخته شده‌اید. به نظر شما یک مدرس موفق معارف، چه آموزگاری است و چه خصوصاتی باید داشته باشد؟

■ بگذارید در همین آغاز از کلام الهی برای عرایض خودم بهره ببرم و عرضه کنم به مصداق «و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه» مهم‌ترین ویژگی هر آموزگار موفق آن است که مخاطب خودش را خوب بشناسد و به زبان او سخن بگوید. بنده، گرچه یک معلم دینی هستم ولی بالغ بر یک هزار ساعت کلاس‌های مختلف روان‌شناسی را گذرانده‌ام تا بتوانم مخاطبم و ظرافت‌های برخورد با او را بشناسم و هنوز هم در حال تکمیل کردن چنین اطلاعاتی هستم. همچنین، با توجه به این بیان حضرت امیر (ع) که «برای هر زمانی موقعیتی هست که باید آن را شناخت» سعی کردم در کنار مهارت‌های آموزگاری، با پی‌گیری مطالعات مختلف، جامعه و موقعیت و محیطی را که شخصیت مخاطبم در آن ساخته می‌شود بیشتر بشناسم.

به نظرم، همان‌طور که هر پزشکی بدون شناخت بیمار و عوامل مؤثر بر بیماری او نمی‌تواند درمان قطعی وی را رقم بزند، کسی هم که آموزگار باشد، بدون شناخت دانش‌آموز و شرایط و محیط او، نمی‌تواند در فرایند آموزش کاملاً موفق شود؛ زیرا همچنان که ممکن است بیماری‌های مختلفی تظاهرات بالینی یکسانی داشته باشند اما منشأ آن‌ها مختلف باشد، در حوزه رفتار و محیط، همواره رفتارهای مشابه دارای سرچشمه‌های مشترک نیستند.

مطلب دیگری که دوست دارم همکاران عزیز جوان‌ترم در حوزه درس معارف اسلامی به آن توجه کنند، این تجربه است که من در همه زمان‌هایی که به کار تدریس اشتغال داشته‌ام، با دانش‌آموزانم دوست بوده‌ام و این‌گونه نبوده که من یک طرف جوی و آن‌ها در طرف دیگر آن باشند. بنابراین، تألیف قلوب





قبل از شروع فرایند آموزش، اولین کاری است که همواره به دنبال آن بوده‌ام.

مطلب سومی هم که شاید در ابتدا کمی خارج از قاعده تلقی شود، این است که در تدریس معارف اسلامی، طرح درس را نباید فقط براساس بخشنامه‌ها و متون درس صرف پیش برد. ما اگر تعهد به آموزش داشته باشیم، باید وضعیت دانش‌آموزان را در نظر بگیریم و آموزش را به نحو مقتضی پیش ببریم. باید کتاب را بخوانیم ولی این بدان مفهوم نیست که از خارج از کتاب استفاده نکنیم یا انتقادپذیر نباشیم. ما باید شیوه تدریس را با توجه به جنبه‌های مثبت دانش‌آموز و بر مبنای توان او تنظیم و برنامه‌ریزی نماییم. بنابراین، اگر من توفیقی داشته‌ام، مرهون توجه به نکاتی است که عرض شد.

### ■ در مسیر تدریس و موفقیت در آن قطعاً مشکلاتی هم وجود دارد که بدون حل کردن آن‌ها نمی‌توان به موفقیت دست یافت. لطفاً این مشکلات و راه‌حل‌های آن را مطرح نماییم.

■ به نظرم حداقل برای درس معارف اسلامی دو دسته مشکل وجود دارد. یکی مشکلاتی است که از بیرون از مرزهاست و مردم را برای دین‌گریزی مورد حمله قرار داده و به عنوان «تهاجم فرهنگی» در سخنان رهبری معظم همواره مورد اشاره قرار گرفته است. این مشکل البته در هر شهری شکل خاص خودش را دارد، اما مشخصاً در خوزستان بدون تجهیزات خاص هم این امواج قابل دریافت است یا همین سی‌دی‌های مبتذل و بازی‌های ناروا که متأسفانه حتی به نقاط دوردست استان‌ها هم ارسال می‌شود یا تهاجم سنگینی که وهابیت علیه تشیع سازماندهی کرده و می‌توان گفت کم‌سابقه است.

دسته دیگری از مشکلات که شاید برای معلمان دینی برجسته‌تر از سایر آموزگاران باشد، تعارضاتی است که بعضاً خود معلمان بین خودشان دارند. در نتیجه دانش‌آموز با طیف متفاوت و گسترده‌ای از نظرات در امور دینی روبه‌رو می‌شود و حیران می‌ماند که چه کسی حرف درست را می‌زند. من معلم دینی یک چیز می‌گویم، معلم پرورشی تعبیر دیگری دارد، معلم ریاضی و شیمی و فیزیک طور دیگری اظهار نظر می‌کند، و در مجموع شش‌راستی در ذهن دانش‌آموز به وجود می‌آید که آموزگاران دینی را دچار مشکل می‌کند.

در زمینه شناخت و حل این مشکلات، آموزش و پرورش طرح خوبی را به اجرا گذاشت (حدود سال ۷۹ یا ۸۰) و آن، آسیب‌شناسی آموزش دینی بود. خود بنده در دانشگاه شهید رجایی در همایش‌های مربوط به این طرح، شرکت کردم و با تجربیات همکاران در مورد برخورد با آسیب‌ها و روش مناسب آن آشنا شدم.

### ■ منبع این تشست دیدگاهی آموزگاران در مسیر تعلیمات دینی چیست؟

■ ریشه این موضوع آن است که منابع هر یک از ما معلمان برای فهم مسائل دینی‌مان متفاوت است و این منابع متفاوت، در فهم ما و در سلیقه‌ها و دیدگاه‌های شخصی‌مان ضرب می‌شود و معجون متفاوتی از فهم دینی به خورد دانش‌آموز داده می‌شود که اصلاً مطلوب نیست.

من سعی و روشم این است که چیزی را که از بزرگان می‌گیرم، عیناً و بدون اضافه و کم کردن و اظهار نظر شخصی به زبان بچه‌ها تلطیف کنم و در اختیار آن‌ها قرار دهم. به خودم اجازه تصرف و توجیه خارج از موضوع و سلیقه محوری هم نمی‌دهم. در فضای موجود دانش‌آموز متأسفانه حیران می‌شود که چه کاری مباح، مستحب، مکروه یا حرام است.

### ■ برای این مشکل راهی هم پیدا کرده‌اید؟

■ بله، برای حل این مشکل، خودم به سراغ همکارانم می‌روم. روش من این است که در ابتدای هر سال تحصیلی، پس از این که کلاس مشخص شد، با همه معلمان که آن‌ها نیز در آن کلاس تدریس می‌کنند قرار می‌گذارم و در زمینه مباحثی که ممکن است آن‌ها متعرض آن شوند و حتی در موضوعاتی که خودم تدریس می‌کنم، با آن‌ها گفت‌وگو، نظرخواهی و بحث می‌کنم.

### ■ آیا مشکلات و معضلات دیگری هم وجود دارد؟

■ یکی از مهم‌ترین آن‌ها، به نظرم انحلال کمیته و ستاد اعتلای دروس دینی است. این کمیته به دستور مقام معظم رهبری تشکیل شده بود و برای معلمان بسیار مفید و کارساز بود.

از دیگر مشکلات تدریس معارف اسلامی، کم بودن ساعات آموزشی و همچنین ساعات و زمان‌های تبادل نظر استادان برای حل مشکلات موجود است. این جلسات تأثیر فوق‌العاده‌ای بر بهبود رویه‌های تدریس و حتی اصلاح کتب درسی دارد. برای مثال، در بحث تدوین کتاب‌های جدید معارف، که خود من در استان در خدمت دوستان فعال بودم، دیدیم که بهره‌گیری ما از نظرات همه استادان چقدر مفید است. یکی از همکاران ما در یک روستای دورافتاده شهرستان لالی نکته‌ای را مطرح کرد که به تغییر نگرش مؤلفان و در نهایت، شکل کلی کتاب منجر شد. این هم‌اندیشی و افکار و عقاید دیگران را دانستن می‌تواند در همه جا کارساز باشد و این مطلبی است که باید بیشتر جدی گرفته شود.

باید با جدیت مشکلات مردم هر منطقه با روش‌شناسی مربوط به خود آن منطقه شناسایی و جمع‌بندی شود تا بتوان آن را حل کرد. به ویژه اینکه به نظر من شناسایی مشکلات و دسته‌بندی آن‌ها خودش یک راه‌حل است.

من سعی و روشم این است که چیزی را که از بزرگان می‌گیرم، عیناً و بدون اضافه و کم کردن و اظهار نظر شخصی به زبان بچه‌ها تلطیف کنم و در اختیار آن‌ها قرار دهم. به خودم اجازه تصرف و توجیه خارج از موضوع و سلیقه محوری هم نمی‌دهم



## ■ نظرتان درباره مطالعه و استفاده از منابع روان‌شناختی با توجه به اینکه این منابع عمدتاً غربی است. برای ارتباط بهتر با دانش‌آموزان چیست؟

■ به مطلب دقیقی اشاره کردید. همان‌طور که شما هم سر بسته گفتید، بسیاری از مطالب روان‌شناختی ما برگرفته از غرب است؛ در حالی که علم غربی عیناً قابل اجرا نیست. اما قطعاً ظرایف و لطایفی دارد و به نظرم قابل سم‌زدایی است. این قطعاً قابل تحقق نیست مگر اینکه ما در کنار منابع روان‌شناسی از وجود استادان، سایر منابع و حتی از نشریات و مجلات خود آموزش و پرورش به صورت روزآمد استفاده کنیم. باید شناختمان را تکمیل کنیم و بعد مطالب را ادامه دهیم تا خدای نخواستہ دچار خسارت این نوع منابع بیگانه نشویم.

تأکید می‌کنم که باید استفاده از منابع مکتوب، حتماً با بهره‌گیری مستمر از استادان همراه باشد و آلا برداشت‌های ناروا ضررهای جبران‌ناپذیری خواهد داشت.

به هر صورت، از برکت نظام اسلامی در اکثر شهرستان‌های ما حوزه علمیه وجود دارد. حتی اگر این بزرگواران به هر دلیل به سراغ ما نیامدند، ما ملزم هستیم که برویم در خانه علمای آن‌ها بخواهیم که در این مسیر به ما رهنمود بدهند تا در حوزه تدریس معارف اسلامی دچار خودسری و سلیقه‌محوری نشویم و از سویی بتوانیم در روند این همکاری استعدادهای خوبی را به حوزه تقدیم کنیم. در همین زمینه هم به لطف خدا تاکنون توفیق هدایت حداقل سیصد دانش‌آموز را به مسیر طلبگی داشته‌ام.

## ■ بیشترین استفاده شما از روان‌شناسی در کلاس‌های دینی چیست؟

■ متأسفانه ما اغلب با کلاس‌هایی روبه‌رو هستیم که شاگردان آن‌ها پیش از شروع مباحث درس، به بیماری سکوت و بی‌تفاوتی و بهت و حیرت دچار شده‌اند. بالاترین کاری که از طریق روان‌شناسی می‌توان برای این کلاس‌ها انجام داد این است که ابتدا آن‌ها را به نقطه صفر و آرامش پایدار و پویا برسانیم تا بتوانیم در محیطی آرام و با نشاط درس‌مان را شروع کنیم.

ما با احترام و تعهد کامل به محتوای درس، با برنامه‌ریزی‌های خود سعی می‌کنیم با گرامیداشت مناسبت‌های دینی و ملی و کارهایی که به این بهانه‌ها انجام می‌دهیم و با نشان دادن واکنش مناسب به رویدادهای شخصی دانش‌آموزان (مانند تولدشان، اتفاقات خوش و ناخوشی که در طول سال تحصیلی برای هر یک از آن‌ها ممکن است بیفتد و...) زمینه ارتباطات غیر رسمی و مؤثر را فراهم سازیم.

این کار در نهایت به بهبود حضور مؤثر دانش‌آموز برای کار اصلی‌اش، که درس و محتوای مصوب ماست، منجر می‌شود. ما اساساً نمی‌خواهیم که دانش‌آموز به دلیل سرخوردگی از درس

دینی به راه دیگری برود. در این زمینه مدیریت متن و حاشیه بسیار مهم است.

## ■ استاد! شیرین‌ترین تجربه و شاه‌کلیدی که در دوران طولانی تدریس به آن دست یافته‌اید، چیست؟

■ نکته ظریفی که من از دوران دانشگاه تربیت‌معلم شهید باهنر تهران از استادی به نام آقای موسوی به یادگار گرفته و همواره به محل تدریس خودم برده‌ام و آویزه گوشم کرده‌ام این است که درباره چیزی که بلد نیستیم، بگویم «نمی‌دانم» و آن را صادقانه با دانش‌آموزان مطرح کنم و دستمایه تحقیقات بعدی آن‌ها یا خودم نمایم. همکاران من به این نکته دقت کنند که این کلمه «نمی‌دانم» برای دبیر معارف یک کلمه راهبردی و ظریف است که آثار بسیار مهم تربیتی دارد.

از طریق همین «نمی‌دانم» می‌توان بسیاری از مطالب را، که شاید با بسیاری از تعلیم‌ها نمی‌توان به آن دست یافت، بیان کرد. این «نمی‌دانم‌ها» در ما روحیه کمال‌جویی ایجاد می‌کند و به خود ما هم آموزش می‌دهد که خادم علم هستید نه صاحب آن و ما را از چهره یک معلم خشک و خشن و خود بزرگ‌بین خارج می‌کند.

از دیگر تجربه‌های تلخ و در عین حال شیرینی که دوست دارم به مصداق تذکر به خودم و همکاران عرض کنم، این است که در همه درس، به ویژه دینی، باید از مقایسه دانش‌آموزی با دانش‌آموز دیگر به شدت پرهیز کرد و اجازة نداد چنین مقایسه‌ای هویت افراد را تهدید کند.

## ■ لطفاً اگر نکته‌ای ناگفته مانده است، درباره‌اش توضیح دهید.

■ باید متوجه باشیم که دانش‌آموزان ما به صورت‌های مختلف، به دلیل مشکلاتی که در خانواده و مدرسه دارند، دچار تعارضاتی می‌شوند و نباید به این تعارضات برچسب دین‌گریزی زد. معلمان به ویژه دبیران معارف، باید احساس کنند که وظیفه اصلی‌شان رفع تعارضات است نه افزودن به اضطراب و تعارض‌ها به بهانه‌هایی چون لباس و ظاهر و... .

باید ایمان بیاوریم که وقتی خدای متعال، به کسی جز به اندازه وسع و توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند، ما هم مجاز به این کار نیستیم. به خصوص باید در این زمان متوجه باشیم که گیر دادن‌ها و ایرادگیری‌های نابجای ما می‌تواند دانش‌آموزی را که امروز دنیا برای دزدیدن ذهن او متحد شده است، زودتر از قلمرو معرفتی ما خارج کند.

پس باید بیشتر متوجه باشیم که آثار وضعی رفتارمان به اسم معارف دینی در سرنوشت دانش‌آموزانمان تأثیر منفی نگذارد.

